

درآمدی تحلیلی بر خدمات دولت حمدانیان به ادبیات شیعه

دکتر تورج زینی‌وند^۱

سمیه بختیاری^۲

چکیده

ادبیات شیعه در گذر عصرها از فرازها و فرودهای گوناگون برخوردار بوده است. سیر تکاملی این ادبیات، بیانگر این واقعیت است که این جریان متعهد ادبی، همراه و همزاد اوضاع دینی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان اسلام بوده است. یکی از دولتهای برجسته عربی که به مانند آل‌بویه و فاطمیان نقشی ماندگار در پرباری و شکوفایی ادبیات متعهد شیعه داشته است، دولت حمدانیان در شام بوده است. ادب دوستی امیرسیف‌الدوله حمدانی و فراهم نمودن زمینه‌های آفرینش آثار ادبی، حمایت از ادیبان و شاعران در کنار دیگر عوامل سیاسی، مذهبی و اجتماعی از سببهای شکوفایی ادبیات شیعه، به ویژه شعر شیعی، به روزگار دولت حمدانی در شام به شمار آمده است.

محورهای اساسی این مقاله، عبارتند از:

الف) پیشگفتاری درباره خاندان بنی حمدان؛

ب) بررسی و تحلیل خدمات دولت حمدانی(شام) در شکوفایی ادبیات شیعه.

واژگان کلیدی: ادبیات شیعه، شعر شیعی، دولت حمدانی عصر عباسی، ادبیات متعهد.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه.

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، باشگاه پژوهشگران جوان، کرمانشاه، ایران.

۱- پیشگفتار

ادبیات شیعه، در شمار روشناییهای ادب عربی و از سندهای افتخار آن به شمار می‌آید؛ در روزگار دولتهای اموی و عباسی که بسیاری از شاعران و نویسندگان هنر خود را در چارچوبهایی همچون؛ غزل‌سرایی مادی، وصف باده‌نوشی، هجوسرایی و بدزبانی، تکسب و مدح صاحبان زر و زور و جز آن عرضه می‌نمودند، بیشتر ادیبان شیعه، هنر متعهد خود را در خدمت عقیده و آرمانهای اسلام، تهذیب اخلاق عمومی، فراخوانی به مبارزه، آگاهی، پایداری و پایمردی در برابر ستم و دروغ قرار داده بودند. جایگاه اینان بیشتر در میان توده‌های مردم بود، حال آنکه ادیبان وابسته و جیره‌خوار به مانند روزنامه‌های سیاسی، دیدگاه‌های دینی و سیاسی صاحبان قدرت را در سراسر سرزمینهای اسلامی منتشر می‌نمودند و از حمایت‌های بی‌دریغ خلفا و امیران نیز بهره‌مند می‌شدند.

بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که بیشتر ادیبان شیعه، همواره مورد بی‌مهری و ستم نظام‌های سیاسی قرارگیرند. این دولتها تنها به این موضوع بسنده نمی‌کردند، بلکه تاریخ‌نویسان و ناقدان وابسته به نظام سیاسی را مکلف می‌نمودند که ارزشهای هنری ادبیات شیعه را سانسور و منزوی کنند. از این رو، می‌توان گمنامی ادیبان شیعه و ستم‌های سیاستمداران و تاریخ‌نویسان نسبت به ادبیات شیعه را در چند عامل جستجو نمود:

الف) تفاوت‌های عقیدتی و آرمانی ادیبان شیعه نسبت به دیگر ادیبان؛

ب) وابستگی سیاسی و مذهبی تاریخ‌نویسان و تذکره‌نویسان مشهور به نظام‌های سیاسی اموی و عباسی؛

ج) تعصب منفی و ناآگاهانه برخی از این ناقدان نسبت به مبانی نظری ادبیات شیعه؛

د) فراوانی و گرمی بازار تهمت و افتراء نسبت به ادیبان شیعه. تهمت‌های ناروایی همچون؛ باده‌نوشی، قمار بازی، سرقت ادبی، بدزبانی، عیوب جسمانی و اخلاقی، غلو و اغراق، ضعف در ساختارهای شعری و جز آن برخی از کلید واژه‌های مشهور و تکراری برخی از تاریخ‌نویسان قدیم و جدید جهان عرب نسبت به ادیبان شیعه است.

در حالی که همین تاریخ‌نویسان و دولتمردان، حمایت‌های مادی و معنوی خود را از اشعار عرب پیش از اسلام دریغ نکرده و بسیاری از اندیشمندان و نخبگان وابسته به خود را صرف تفسیر محتوایی و ساختاری معلقات می‌نمودند، در مخالفت دولت اموی با ادبیات شیعه، همین بس که

اخطل تغلبی (۹۰-۱۹ هـ) شاعر مسیحی دربار اموی، از هیچ تلاشی برای سوق دادن ادبیات عرب به مبانی عرب پیش از اسلام فروگذاری نکرد. ابونواس (۱۴۵-۱۹۹ هـ) که در مستی و وصف باده از مشاهیر ادب عربی و جهان به شمار می‌آید، دوست و ندیم امین، خلیفه عباسی، بوده است و نمونه‌های فراوان دیگر نیز وجود دارد که ذکر آنها در این مقاله سبب درازی سخن می‌گردد.

با فروپاشی دولتهای اموی و عباسی و شکل‌گیری دولتها و امارتهای مستقل، برخی از این دولتهای حاکم بر این سرزمین، که مذهب و گرایش شیعی داشتند، با حمایت‌های مادی و معنوی خود از ادبیات شیعه، فصلی دیگر را در تاریخ ادبیات عرب ثبت نمودند. دولتهای آل‌بویه در عراق و ایران، فاطمیان در مصر و شام، حمدانیان در موصل و شام، بنی مزید در حله و نیل، بنی‌شاهین در بطائح از جمله این دولتها به شمار می‌آیند. اما برجسته‌ترین این دولتها که نقشی زیاد در شکوفایی ادبیات عربی و شیعه داشته است، دولت بنی‌حمدان در شام به رهبری سیف‌الدوله حمدانی (۳۰۳-۳۵۶ هـ) بوده است.

این مقاله برآن است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تصویری جامع از نقش دولت حمدانی در رشد و شکوفایی ادبیات شیعه ارائه نماید.

۲- پردازش موضوع

نسب حمدانیها به قبیله تغلب بر می‌گردد که پیش از دمیدن فجر اسلام برآیین نصاری بوده‌اند. سه خانواده مشهور تغلبها در دوره اسلامی؛ خانواده عمر بن الخطاب العدوی، هارون المغمور و حمدان بن حمدون بوده‌اند. حمدان جد بزرگ خاندان حمدانی بوده رهبری مادی و معنوی ایشان را عهده‌دار بوده است. این خانواده از سوی دولت عباسی، امارت قلعه «ماردین»- نزدیک موصل - را داشتند و به سال ۲۸۱ هجری به روزگار خلافت معتضد عباسی، اعلام استقلال نمودند و پس از چند درگیری بر دولت عباسی پیروز شدند. حمدان ۷ فرزند داشته است که ابوالهیجاء پدروانصرالدوله و سیف‌الدوله و ابوالعطف از میان ایشان به سیادت و امارت رسیده‌اند.

تشیع این خاندان در تاریخ اسلامی، امری آشکاراست. بسیاری از عالمان و شاعران شیعه از جمله؛ الشریف ابوابراهیم، جد بنی زهره، السری الرفاء، کشاجم، الناشی الأصغر، الزاهی و جز آنها مورد تکریم و احترام خاندان حمدانی بوده‌اند. اینان با حمایت حمدانیان به روشنی به بیان عقیده و اندیشه خود در شعرشان اشاره کرده‌اند. گفته شده است که سیف‌الدوله حمدانی دستور ضرب

سکه‌هایی را داده است که بر روی آنها، عبارت «لا اله الا الله و محمد رسول الله و امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب و فاطمة الزهراء و الحسن و الحسین و جبریل علیهم السلام» نقش بسته بوده است. از این رو، به نظر می‌رسد که تشیع خاندان حمدانی امری ریشه‌دار بوده که تاریخ آن به روزهای آغازین اسلام و خلافت امام علی (ع) بر می‌گردد. البته، برخی از مستشرقان به تفسیری نادرست در این زمینه پرداخته‌اند؛ «کارل بروکلمان» بر این عقیده است که سیف‌الدوله برای خشنودی دولت فاطمی که در مصر حکومت داشته اند، به مذهب شیعه روی آورده است، در حالی که بیشتر تاریخ‌نویسان بر گرایش ریشه‌دار شیعی در میان خاندان حمدانی اشاره و تأکید نموده‌اند و دیگر آنکه سیف‌الدوله حمدانی، پیش از آنکه فاطمیها قدرت را در مصر عهده‌دار شوند از دنیا رفته است. دیگر آنکه، اشعار ابوفراس حمدانی که پسرعموی سیف‌الدوله بوده و مقام وزارت را برعهده داشته، بیانگر این واقعیت است که خاندان حمدانی بر مذهب شیعه دوازده امامی بوده‌اند. «مصطفی الشکعه» در کتاب «فنون الشعر فی مجتمع الحمدانیین» (الشکعه، ۱۹۵۸م: ص ۳۰۱) با استناد به شعر ابوفراس بر این موضوع تأکید فراوان نموده است. از این رو نظر بروکلمان درباره تاریخ تشیع حمدانیها کاملاً نپذیرفتنی است. (بروکلمان، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۳۹ و ۴۴۹)

اما مشهورترین شخصیت خاندان حمدانی، علی بن عبدالله بن حمدان معروف به سیف‌الدوله حمدانی بوده که از سال ۳۳۳ تا ۳۵۶ هـ ق امارت شام را بر عهده داشته است. ادب دوستی، ادیب پروری، درایت، شجاعت و دلاوری، نبرد با بیزانسیها و وارد نمودن شکستهای پی‌درپی به ایشان از ویژگیهای مشهور وی در تاریخ اسلام است. دربار سیف‌الدوله، قبله عالمات و ادیبانی بود که با اهتزاز پرچم تشیع در شام به آنجا آمده بودند. صاحب «یتیمه الدهر» دو فصل را به عالمات و شاعران دربار سیف‌الدوله اختصاص داده است که در میان نام آنان، این نامها بیشتر دیده می‌شود همچون؛ الشریف ابو ابراهیم جت بنی زهره، ابن خالویه (۳۷۰ هـ)، ابوالطیب المتنبی (۳۰۳-۳۵۴ هـ) ابوفراس الحمدانی (۳۵۷-۳۲۰ هـ) الفارابی (۲۵۷-۳۳۹ هـ)، ابن نباته المصری (۶۸۶-۷۶۸ هـ) الصنوبری (۲۸۴-۳۳۴ هـ) ابن جنی (۳۰۰-۳۹۲ هـ) و بسیاری دیگر از فقیهان و قاضیان و نحویان و هنرمندانی که پیش از این به نام برخی از ایشان اشاره شد.

دلاوریهای سیف‌الدوله در نبرد با رومیان سبب آفرینش چکامه‌های حماسی در شعر عربی شده است. متنبی که در تاریخ ادبیات عرب به خودستایی و غرور شهرت دارد (پروینی، زینی‌وند

۱۳۸۳ش: ص ۱۵۵)، آنچنان شیفته شخصیت امیر سیف‌الدوله می‌شود که به آفرینش چکامه‌های شکوهمند حماسی روی می‌آورد. ادب عربی پیش از این، از چنین شعرهایی بی‌بهره بوده است و تاریخ پربار بنی‌حمدان سبب شده است که این دوره از شعر متنبی هم‌ردیف «ایلیاد» و «ادیسه» هومر و شاهنامه فردوسی قرار گیرد.

به هر حال، دولت حمدانی در شام، نقشی بسیار مهم در شکوفایی ادب عربی داشته است و این موضوع، مورد ستایش بسیاری از تاریخ‌نویسان و ناقدان قرار گرفته است. اما آنچه که از تاریخ حمدانی به صورت دقیق و جامع مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، نقش این خاندان در گسترش ادبیات شیعه بوده است.

علامه محمد حسین مظفر در این باره چنین نوشته است:

در روزگار سیف‌الدوله، تشیع در سوریه، مقامی رفیع و ارجمند به دست آورد و مردم سوریه هوای آزاد را - که حکومت‌هایی به دنبال یکدیگر از آنها سلب نمودند، و پس از آنکه مدتی طولانی زیر چتر استتار تقیه به سر برده بودند - استنشاق کردند، در نتیجه، سرزمین سوریه در دوران حمدانیها سرشار و آکنده از شیعه بوده است، مانند حلب و نواحی آن، و بعلبک و آبادیهای پیرامونش، و جبل عامل و سواحل آن. (مظفر، ۱۳۶۸ش: ص ۲۲۶).

هم او درباره دانش‌دوستی و ادب‌پروری حکومت حمدانی در شام نیز چنین می‌نویسد:

در ایام حکومت حمدانیها، علمای زیادی به خصوص به سوی حلب آمد و شد داشتند و به آنجا می‌کوچیدند. (همان) از این رو، می‌توان دریافت که مذهب حاکمان حمدانی در شام به‌ویژه سیف‌الدوله نقشی بسیار مهم در گسترش تشیع و حمایت از ادبیات شیعه داشته است. بسیاری از این عالمان و ادیبان در نوشته و ادب خود به بیان فضیلتها و بزرگیهای خاندان اهل بیت (ع) می‌پرداختند. شاعران در دو قالب مدح و رثا ضمن ستایش این فضیلتها یا سوگ ایشان، دشواریهای پیشین دو خلافت اموی و عباسی را مورد نقدهای تند و شجاعانه خود قرار می‌دادند. حمایت‌های سیف‌الدوله و ابوفراس، در گسترش چنین جریانی بسیار سودمند بوده است (آباد، ۱۳۶۸ش: ص ۱۷۰).

۲-۱: شاعران و ادیبان شیعی در دولت حمدانی

۲-۱-۱: ابوفراس حمدانی

ابوفراس که در تاریخ ادب عربی به شاعر «رومیات»- شعرهایی که شاعر در زندانهای روم سروده است - مشهور است، خاندان اهل بیت (ع) را بسیار دوست می‌داشت و در شعرش به راستی و روشنی از این دوستی خویش سخنها گفته است (ثعالبی، ۱۴۰۳/۵۱۴۰۳: ج ۱، ص: ۳۵ / ابن خلکان، ۱۹۶۸: ج ۲، ص: ۵۸ / ضیف، ۱۹۷۳: ج ۴، ص ۲۲۳ / فاخوری، ۲۰۰۳: ص ۱۸۵ / آباد، ۱۳۸۶: ص: ۱۷۴).

او را چکامه‌ای است که در آن ضمن بیان عقیده خود در شیعه امامیه، از دوستی ژرف و راستینش نیز حکایت می‌کند:

لَسْتُ أَرْجُو النَّجَاةَ مِنْ كُلِّ مَا أَخْ	شَاهُ، إِلَّا بِ «أَحْمَدٍ» وَ «عَلِيٍّ»
وَ بِنْتِ الرَّسُولِ «فَاطِمَةَ» الطُّهْمِ	رٍ، وَ «سَبْطِيهِ» وَالْإِمَامِ «عَلِيٍّ»
وَالْتَقَى النَّقِيِّ، بَاقِرِ عِلْمِ الْ	لَهُ فِينَا، «مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ»
وَابْنِهِ «جَعْفَرٍ» وَ «مُوسَى» وَ مَوْلَا	نَا «عَلِيٍّ»، أَكْرَمَ بِهِ مِنْ عَلِيٍّ
وَ «أَبِي جَعْفَرٍ» سَمِيِّ رَسُولِ الْ	لَهُ، ثُمَّ ابْنِهِ الزُّكِيِّ «عَلِيٍّ»
وَابْنِهِ «الْعَسْكَرِيِّ» وَالْقَائِمِ الْمُطَمَّ	هَرِّ حَقِّي «مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ»
فِيهِمْ أَرْتَجِي بُلُوغَ الْأُمَانِي	يَوْمَ عَرَضِي عَلَيَّ مَلِيكَ عَلِيٍّ

(الحمدانی، ۱۴۲۵: ق: ص ۲۵۹)

«از همه آنچه که بیم دارم، جز به احمد و علی (ع) امید رستگاری و رهایی (از کسی) ندارم/ و به دختر فرستاده خدا، فاطمه پاکدامن و دو فرزندش (امام حسن و امام حسین (ع)) و امام علی (بن حسین: زین العابدین)/ و به (امام) تقی و نقی (ع) و امام محمد باقر (ع)، شکافنده دانش الهی در میان ما/ و فرزندش امام جعفر (ع) و موسی کاظم (ع) و سرورمان علی/ و ابو جعفر (ع)، هم نام رسول خدا (ص) و سپس فرزند پاکش علی (ع)/ و فرزندش امام عسکری (ع)، برپادارنده حق محمد بن علی/ در میان اینان (و به واسطه ایشان) به آن روزی که در برابر پروردگار بزرگ حاضر شوم، امید رسیدن به آرزوهایم را دارم».

در قصیده دیگر (شافعی أحمدُ النَّبِی و مَوْلَا : همان: ص ۳۳۷): نیز نام دوازده امام(ع) را به بزرگی یاد نموده است، اما برجسته‌ترین قصیده‌های او، میمیه مشهورش، به نام «الشافیه» است. مطلع این قصیده چنین است:

الدِّینُ مُخْتَرَمٌ وَالْحَقُّ مُهْتَضَمٌ
وَفَیْءُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ مُقْتَسَمٌ
(الحمدانی، همان: ص ۳۰۰)

«دین از میان رفته و حق پایمال گشته است و اموال و حقوق خاندان رسول خدا(ص) در میان دشمنان، تقسیم شده است.»

این قصیده، دربرگیرنده اغراضی همچون؛ هجا، مدح، فخر و دیدگاه‌های عقیدتی شاعر است. شاعر، این قصیده را در ردّ قصیده‌ای از «محمد بن سکره الهاشمی» سروده که در آن بر شیعیان تاخته است. ابوفراس در این قصیده که از جمله شاهکارهای ادب عربی به شمار آمده است به بیان دردها و مصیبت‌های آل رسول(ص) پرداخته و با زبانی مستدل اما تند و انتقادی به نکوهش و هجو دشمنان ایشان به‌ویژه امویان و عباسیان پرداخته است. موضوع خلافت اهل بیت (ع) و رخداد عاشورا، محورهای اساسی این قصیده را شامل می‌شوند. افزون بر این، شاعر ضمن نکوهش سیاستمدارانی که حقوق اهل بیت (ع) را غصب نموده‌اند به بیان وضعیتی موجود ایشان و دشواریهای زندگی شیعیان در سرزمینهای اسلامی اشاره نموده است (نورالدین، ۲۰۰۰ م: ص ۱۶۱-۱۶۶).

علّامه محمد حسین مظفر درباره ارزشهای «شافیه» چنین می‌نویسد:

ابو فراس، اشعاری درباره اهل بیت (ع) دارد. و اگر هم ابوفراس غیر از قصیده «میمیه» - که به «الشافیه» معروف است - قصیده و اشعاری دیگر نمی‌داشت، او را همین قصیده برای نصرت اهل بیت (ع) بسنده می‌آمد. علت اینکه این قصیده در جهت نصرت اهل بیت (ع) غنی و کافی بوده است این است که این قصیده در آن روزها معادل هزار شمشیر - در دفاع از آل رسول (ص) و نصرت حق و دین خدا - بوده است (مظفر، ۱۳۶۸ ش: ص ۲۲۵).

حضور حماسی و پیوسته شاعر در جنگ با رومیان و اسارت او، معاصر بودن وی با شاعر بزرگی همچون منتبّی و برخی درگیریهای سیاسی ایشان با پسر عمویش سیف‌الدوله، سبب شده است که شعر شیعی ایشان در سایه چنین پدیده‌هایی قرار گرفته و کمتر از سوی ناقدان تحسین شود و یا اینکه مورد تحلیل قرار گیرد.

۲-۱-۲: صنوبری

احمد بن محمد بن الحسن الضبی الحلبی الأنطاکی، معروف به صنوبری (۲۸۴-۳۳۵ هـ.ق) یکی دیگر از شاعران برجسته شیعه در دولت حمدانی به شمار می آید که در وصف طبیعت مهارت داشته است. وی در سرودن اشعار حماسی از «متنبی» و «ابوفراس» تقلید نموده و در اشعار فلسفی و کلامی خود به «فارابی» نظر داشته است. صنوبری، مدیریت کتابخانه غنی دربار سیف الدوله را نیز عهده دار بوده و در بیشتر گفت و گوهای علمی دربار حضور داشته و از دوستان نزدیک کشاجم به شمار می آمده است.

(ابن عساکر، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۴۵۶ / الصفدی، ۱۳۹۴ق: ج ۷، ص ۳۷۹ / شوقی ضیف، ۱۹۷۳م: ج ۴، ص ۳۴۷-۳۵۹ / عبدالرحمن، ۲۰۰۰ م: ص ۲۴۴ / متز، ۱۳۶۲ش: ص ۲۹۲ - ۲۹۳ / ناصری طاهری، ۱۳۶۶ش: ص ۸۸)

دیوان شعر وی، سرشار از سوگنامه‌هایی است که شاعر آنها را در سوگ خاندان اهل بیت (ع)، به ویژه امام حسین (ع) سروده است. شجاعت و روشنی بیان، ویژگی بارز شعر شیعی او است. وی بر این عقیده است که در میان امت پیامبر (ص) تنها خاندان ایشان (ع) و فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) شایستگی خلافت را دارا هستند:

حَبَّأَهُ بِالْوَصِيَّةِ إِذْ حَبَّأَهُ وَ هُوَ ذُو دَرِيْفِ
(ضيف، همان: ص ۳۵۰)

«آنگاه که او را عطا نموده، وصیت را به او عطا نموده در حالی که به (پیامبر) نزدیک است. در جای دیگری رثای امام حسین (ع) و وصف ستمهای امویان و دشواریهای خاندان عترت در روز عاشورا می پردازد:

يَوْمَ الْحُسَيْنِ عَلَى الدِّ يَنْ كُنْتَ يَوْمًا عَسِيرًا
مَلَاتِ وَاللَّهِ كَرْبَاءَ يَا كَرْبَاءَ الصُّدُورَا
وَالْفَاطِمِيَّوْنَ تَقَرَّرِ يَهُمُّ السُّيُوفُ الطُّيُورَا
وَالْفَاطِمِيَّاتُ يَنْحَرُّ نَ بِاللَّدُمُوعِ النَّحُورَا
(همان: ص ۳۵۶-۳۵۷)

«روزی که حسین به خاطر دینش شهید شد، روز سختی بود/ ای کربلا! به خدا قسم، سینه‌ها را پر از درد و رنج نمودی/ شمشیرهای فاطمیان، دشمنان را همچون پرندگانمانی نموده است که قطعه قطعه شده‌اند/ زنان فاطمی با سرشک دیدگان، گردنهای خویش را بریده‌اند.»

صنوبری، علاوه بر رثای امام حسین (ع) اشعاری درباره «لیلا» دختر آن حضرت سروده است. وی با قلبی پر سوز و گداز این گونه در رثای ایشان می‌سراید:

يَا رَبَّةَ الْقَبْرِ الْمُضِيِّ الْأَذَى	يُضِيءُ ضَوْءَ الْكَوْكَبِ السَّارِي
أَشْتَاقُ رُؤْيَاكَ فَآتِي فَلَا	أَرَى سِوَى تُرْبٍ وَأَحْجَارِ
قُومِي إِلَى دَارِكٍ قَدْ أَنْكَرَتْ	صَبْرُكِ عَنْهَا أَيَّ إِنْكَارِ
اسْتَوْحَشَتْ دَارِكٍ مِنْ أَهْلِهَا	وَاسْتَوْحَشَ الْأَهْلُ مِنَ الدَّارِ

(همان: ص ۳۵۷)

«ای قبر درخشانی که به مانند سیاره‌ای در حرکت بوده و می‌درخشد/ به رؤیای تو اشتیاق می‌ورزم و برای دیدنت می‌آیم اما چیزی جز خاک و سنگ نمی‌یابم/ برخیز به سوی خانه‌ات، بردباری تو هر انکاری را از آن، انکار نمود/ خانه‌ات از اهلت در وحشت و تنهایی ماند و اهل خانه از تنهایی خانه دچار وحشت شدند.»

صنوبری در برخی از چکامه‌هایش اهل بیت پیامبر (ص) را دژهای عزت و افتخار و پناهگاه آدمیان می‌داند و بر آنان این گونه سلام می‌فرستد:

هُمُ الْحُصُونُ حُصُونُ الْعِزِّ أَوْنَةٌ	إِذَا امْرُؤٌ لَمْ يَجِدْ حِصْنًا وَلَا رِيضًا
صَلَاةُ رَبِّي عَلَى أَبْنَاءِ فَاطِمَةَ	مَا اسْتَيْقَظَ الطَّرْفُ مِنْ غَمَضٍ وَمَا غَمَضًا
وَدَدْتُ مَنْ وَدَّ مَوْلَى الْحُسَيْنِ كَمَا	رَفَضْتُ رَافِضَهُ جَهْلًا بِمَا رَفَضَا
سَلَّمَ عَلَى نَازِلِ بِالطَّفِّ مَنْزِلُهُ	إِنَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ كَانَ مُفْتَرَضًا
عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَى سِبْطِ الرَّسُولِ	عَلَى الْمَقْبُوضِ مُشْتَهِيًا لِلْمَاءِ إِذْ قُبِضَا

(الصنوبری، ۱۹۷۰م: ص ۱۹۷-۲۷۲)

«اینان در استواری همانند دژهای (استوار) هستند، دژهای عزتمند و استوار به روزهای دشواری، آنگاه که انسان هیچ پناهی نمی‌یابد/ درود پروردگارم بر فرزندان فاطمه باد تا آن زمان که

چشمها از خواب برهم نهاده می‌شود/ هر که مولا یم حسین را دوست داشته باشد، من نیز او را دوست می‌دارم و نیز هر که او را از روی نادانی انکار نماید، به واسطه انکارش، او را دوست نمی‌دارم/ بر آن فرودآمده در بیابان طفّ (کربلا) درود بفرست چرا که درود بر او واجب شده است/ بر امام حسین، بر نواده رسول خدا، بر آن کسی که تشنه لب به شهادت رسید).

۲-۱-۳: کشاجم

«محمود بن الحسین بن السندی بن شاهک» معروف به «کشاجم» (۳۶۰هـ) از عالمان و شاعران برجسته دربار سیف‌الدوله بوده است. وی بر مذهب شیعه امامیه بوده و سه قصیده بلند در دیوانش وجود دارد که در آنها به روشنی از عقیده و دوستی خود نسبت به اهل بیت (ع) سخن گفته است. (ابن خلکان، ۱۹۶۸م: ج ۱، ۳۵۸-۳۶۰ / الزرکلی، ۱۹۹۰م: ج ۷، ص ۱۶۷ / فروخ ۱۹۹۷: ج ۲، ص ۵۰۵ / ضیف، همان، ص ۱۸۹ / الأمین، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ص ۱۰۳-۱۰۵ / عبدالرحمن، ۲۰۰۰ م: ص ۳۸۶ / مهتا، ۱۹۰۰م: ص ۱۹۵ / بروکلان، بی تا: ص ۷۷ / آباد، ۱۳۸۶ش: ص ۱۷۶).

کشاجم، اهل بیت (ع) را کشتی نجات نوح، هلال نورانی هدایت، شمشیر بر آن مبارزه با کفر و دریای معجزه می‌داند:

أَعَاذَلْتِي إِنْ بُرِدَ التُّقَى	كَسَانِيهِ حُبِّي لِأَهْلِ الْكَسَاءِ
سَفِينَةُ نُوحٍ فَمَنْ يَعْتَلِقُ	بِحُبِّهِمْ يَعْتَلِقُ بِالنَّجَاءِ
هِلَالٌ إِلَى الرَّشْدِ عَالِي الضِّيَاءِ	وَسَيْفٌ عَلَى الْكُفْرِ مَاضِي الْمَضَاءِ
وَبَحْرٌ تَدْفُقُ بِالمُعْجَزَاتِ	كَمَا يَتَدَفَّقُ يَنْبُوعُ مَاءِ

(أمینی، بی تا: ج ۴: ص ۱۶-۱۷)

«ای سرزنشگر من! همانا لباس پرهیزکاری مرا، دوستی‌ام نسبت به اهل بیت کساء، بر من پوشانده است / (دوستی اینان) به مانند کشتی نوح است که هر که به آن چنگ زند به رستگاری دست یافته است / ماه تابان هدایت، والای پرنور و شمشیر بر آن و ازین برنده کفر و شرک / دریایی سرشار از معجزات بوده همان گونه که سرچشمه آب در فیضان است.»

و در جای دیگری دربارهٔ اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) این گونه می‌سراید:

إِذَا تَفَكَّرْتَ فِي مَصَابِهِمْ أَنْقَبَ زَنْدَ الْهُمُومِ قَادِحُهُ
فَبَعْضُهُمْ قَرُبْتُ مَصَارِعُهُ وَبَعْضُهُمْ بَدَدَتْ مَطَارِحُهُ
أَظْلَمَ فِي كَرْبَلَاءَ يَوْمُهُمْ ثُمَّ تَجَلَّى وَهُمْ ذَبَائِحُهُ
ذَلَّ حُمَاهُ وَقَلَّ نَاصِرُهُ وَنَالَ أَقْوَى مُنَاهُ كَاشِحُهُ

(الأمین، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ص ۱۰۴)

« هر گاه به مصیبت‌های ایشان می‌نگرم، آتش اندوه برافروخته می‌شود/ برخی از ایشان قبرشان نزدیک و برخی دور/ روزشان در کربلا تیره و تار شد و چون روز، آشکار شد، ایشان قربانی آن بودند/ حامیان ایشان خوار، یاوران اندک و قوی‌ترین ایشان نیز به خاک افتاده است.»

۲-۴: التّامی

«ابوالعبّاس احمد بن محمد المصتبی الذّارمی» معروف به «التّامی» (۳۱۰-۳۹۹ هـ) از بزرگان شعر و ادب به دربار سیف‌الدوله بوده است. او را با منتبی، ستیزه و درگیری نیز بوده است. و پس از رفتن منتبی از حلب، مقام نامی از سوی سیف‌الدوله، بیشتر مورد تکریم قرار گرفته است. بسیاری او را از بزرگان عصر خویش و از عالمان لغت دانسته‌اند. (عبدالرحمن، همان: ص ۵۵۲ / ناصری طاهری، همان / شامی، ۱۹۹۹م: ص ۳۳۹ / فروخ، ۱۹۹۷م: ص ۵۰۵)

۲-۵: الوأواء الدمشقی (۳۷۰هـ)

ابوالفرج محمد بن احمد الغسانی الدمشقی معروف به «الوَأوَاءُ الدَّمَشْقِي» نیز از شاعران برجسته شیعه در دولت حمدانی به شمار می‌آید. این وصف پرداز توانا، اشعار نیکویی در ستایش یا سوگ اهل بیت (ع) و برخی بزرگان شیعه دارد. سیف‌الدوله او را گرامی داشته و در دیداری که از دمشق داشته او را با خود به حلب برده است. (تعالبی، همان: ج ۱، ص ۲۷۲ / فروخ، ۱۹۹۲م: ج ۲، ص ۵۲۲ / الزرکلی، همان: ج ۵، ص ۳۱۲ / ضیف، همان: ص ۲۶۲ / عبدالرحمن، همان: ص ۵۷۹ / فروخ، ۱۹۹۷م: ج ۲، ص ۵۲۲ / آباد، همان: ص ۱۷۷).

۲-۱-۶: ابن خالویه (۳۷۰هـ)

ابو عبدالله حسین بن احمد بن خالویه بن حمدان الهمدانی البغدادی الحلبی معروف به «ابن خالویه» از مفاخر شعر و ادب اسلامی به شمار می‌آید. سیوطی از او به عنوان پیشوای شعر و ادب عرب یاد نموده است. سیف‌الدوله او را معلّم فرزنداناش قرار داده و در امور سیاسی و اجتماعی از مشاوره او بهره‌مند شده است. برخی دربارهٔ مذهب امامی وی تردید نموده‌اند، اما تشیع امامی وی در آثارش مشهود است. سیف‌الدوله همواره از او حمایت می‌نمود و هرگز از مقام او نزد سیف‌الدوله کاسته نشد. از شعر شیعی او چیزی در دست نیست و تنها ۱۰ بیت از سروده‌های او در وصف همدان موجود است. (أمین، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ص ۴۲۰/ ابن قفطی، ۱۳۹۶ش، ۱۹۵۰م: ج ۱، ص ۳۲۷/ ابن خلکان، ۱۹۶۸م: ج ۲، ص ۱۷۸/ ناصری طاهری، همان: ص ۱۲۳/ مظفر، ۱۳۶۸ش: ص ۲۲۳.

۲-۱-۷: متنبی و ادبیات شیعه

افزون بر آنچه گفته شد ذکر نکته‌هایی در باب مذهب شیعه و چگونگی بازتاب آن در شعر متنبی لازم است. واقعیت این است که اندیشه‌های شیعی در شعر متنبی آنچنان نمود و آشکاری ندارد که هر ناقدی بتواند به روشنی دربارهٔ آنها سخن بگوید اما قرینه‌هایی وجود دارد که ما را به باور گرایش شیعی شاعر رهنمون می‌سازد (الأمین، همان: ج ۸، ص ۴۸-۵۱ / نورالدین، ۲۰۰۰م: ص ۵۷۲-۵۶۶)

الف- زادگاه متنبی «کوفه» و در محله «کنده» بوده است و کوفه نیز یکی از پایگاه‌های تشیع در تاریخ بوده است. تشیع قبیلهٔ «کنده» معروف و حجرین‌عدی از این قبیله بوده است؛
 ب) در نظری دیگر گفته شده است شاعر از قبیلهٔ «جعفی» بوده است، تشیع این قبیله نیز معروف است. جابر جعفی بزرگ قوم خویش و از اصحاب مشهور و مخلص امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) بوده است؛

ج) مادر متنبی از قبیله «همدان» بوده است و تشیع بنی همدان، معروف و مشهور است.

د) مؤلف کتاب «نسمه‌السكر» قصیده‌هایی را از متنبی در مدح امام علی (ع) ذکر نموده است و آنها را «علویات» نام نهاده است. این قصیده به دلایلی نامعلوم در دیوان معروف شاعر موجود نیست. شاعر در برخی از ابیات این مجموعه به علت‌هایی که شعرش خالی از مدح امام علی (ع) بوده نیز اشاره کرده است:

ترکت مدحی للوصی تعمداً إذ كان نوراً مُستطیلاً شاملاً

(قمی، ۱۳۶۸ش: ج ۱، ص ۱۶۹/الحسینی، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ص ۱۴۶)

«از روی تعمّد، ستایش وصی رسول(ص)(امام علی(ع)) را ترک نموده‌ام چرا که او نور فروزان و کامل بوده است(نیازی به مدح من ندارد).»

هـ) قصیده «بائیه» که در دیوان شاعر نیز موجود است و آن را در مدح ابوالقاسم طاهر بن حسین بن طاهر علوی نیز سروده است، دلیل دیگری بر تشیع شاعر است:

هُوَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنُ وَصِيهِ وَ شَبَّهُمَا شَبَّهْتُ بَعْدَ التَّجَارِبِ

(المتنبی، ۱۴۱۸ق، ۱۹۹۷م: ج ۱، ص ۱۵۸)

«او فرزند رسول خدا(ص) و وصیش علی بن ابیطالب(ع) است و او را همانند آن دو پس از کسب تجربه‌ها تشبیه نمودم.»

و) دوستی صادقانه و طولانی شاعر با امیر سیف‌الدوله در حلب نیز قرینه‌ای دیگر به شمار می‌آید که بیانگر مذهب شیعی متنبی بوده است.

اما اینکه چرا شعر متنبی از اندیشه‌های شیعی - به آن اندازه که در دیوان معاصرانش دیده می‌شود - خالی است؟ پرسشی است که نمی‌توان برای آن پاسخ قانع‌کننده‌ای یافت. شاید بیم شاعر از دشمنان و مخالفان، نابسامانی اوضاع سیاسی و اجتماعی حکومت‌های اسلامی در آن روزگار و جدالها و ستیزه‌های دینی - مذهبی در کنار دیگر عوامل در شمار اسباب این موضوع باشد. با این وجود، حتی اگر بپذیریم که متنبی بر عقیده شیعه نبوده است باید اذعان نمود که شهرت و نبوغ شعر متنبی، مدیون حمایت‌های بی‌دریغ امیر شیعی حلب، سیف‌الدوله بوده است.

نتیجه‌گیری

۱. اگرچه دولت حمدانی با چالشهای سیاسی فراوان در داخل و خارج روبه‌رو بود، اما حمایت‌های مادی و معنوی امیر حمدانی، سبب شکوفایی شعر شیعی و آفرینش مضمونهای نوین شعری شد؛
۲. در این دوره، شاعران شیعی به‌واسطه دولت شیعی از آزادی بیان بیشتر نسبت به دوره‌های گذشته برخوردار بودند و این همان وجه تمایز شعر شیعی این دوره نسبت به دوره‌های پیشین است؛
۳. شعر شیعی در این دوره از روشنی بیان و گوناگونی در محتوا و ساختار بهره‌مند است. چنین ویژگی‌هایی در سایه‌سار دولت حمدانی فراهم شده است.

منابع و مآخذ

۱. آباد، مرضیه (۱۳۸۶ش)؛ *تاریخ الأدب العربی فی العصر العباسی الثانی*، چاپ اول، سمت، تهران.
۲. ابن خلّکان، احمد بن محمد (۱۹۶۸م)؛ *وفیات الأعیان و أنباء أنباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، دارالثقافة، بیروت.
۳. ابن خلّکان، احمد بن محمد (۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م)؛ *وفیات الأعیان و أنباء أنباء الزمان*، الطبعة الثانية، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۴. ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م)؛ *معجم الشعراء من تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق حسام الدین فرفور، الطبعة الأولى، دارالکتاب العلمیة، بیروت.
۵. ابن قفطی، علی (۱۳۹۶ق/۱۹۵۰م)؛ *أنباء الرواة علی أنباء النحاة*، تحقیق محمدابوالفضل إبراهیم، قاهره.
۶. الأمین، محسن (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)؛ *أعیان الشیعة*، دارالتعارف، بیروت.
۷. الأمینی، عبدالحسین (بی تا)؛ *الغدیر*، دارالکتاب العربی، بیروت.
۸. بروکلیمان، کارل (بی تا)؛ *تاریخ الأدب العربی*، نقله إلى العربية عبد الرحیم النجار، الطبعة الثانية، دارالکتاب الإسلامی، قم.
۹. پروینی، خلیل و تورج زینی وند (۱۳۸۳ش)، *مفاخره در شعر منتبسی و خاقانی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۴۵، ص ۱۵۳-۱۷۳.
۱۰. التعالی النیسابوری، أبو منصور عبدالملک (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)؛ *یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر*، شرح و تحقیق مفید قمیحه، دارالعلم للملایین، بیروت.
۱۱. _____ (۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م)؛ *یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، الطبعة الأولى، مکتبة الحسین التجارية، قاهره.
۱۲. الحسینی، عبدالزهراء (۱۳۹۵ق) *مصادر نهج البلاغة و اسانیدها*، مؤسسة الاعلمی، بیروت.
۱۳. الحمدانی، ابوفراس (۱۴۲۵ق/۲۰۰۵م)؛ *دیوان أبی فراس الحمدانی*، شرح خلیل الدویهی، دارالکتاب العربی، بیروت.
۱۴. الزرکلی، خیرالدین (۱۹۹۰م)؛ *الأعلام*، دارالعلم للملایین، بیروت.
۱۵. سیاحی، صادق (۱۳۸۲ش)؛ *الأدب الملتزم بحب أهل البيت (علیهم السلام)*، چاپ اول، سمت، تهران.

۱۶. شامی، یحیی (۱۹۹۹م)؛ *موسوعة الشعراء العرب*، الجزء الثاني، الطبعة الأولى، دارالفکر العربی، بیروت.
۱۷. الشکعة، مصطفی (۱۹۵۸م)، *فنون الشعر فی مجتمع الحمسانیین*، الطبعة الأولى، مكتبة الأنجلو المصرية، قاهره.
۱۸. الصنوبری، أحمد بن محمد (۱۹۷۰م)؛ *دیوان الصنوبری*، تحقیق إحسان عباس، دارالثقافة، بیروت.
۱۹. ضیف، شوقی (۱۹۷۳م)؛ *تاریخ الأدب العربی فی العصر العباسی الثاني*، الطبعة الثانية، دارالمعارف، مصر.
۲۰. عبدالرحمن، عقیف (۲۰۰۰م)؛ *معجم الشعراء العباسیین*، الطبعة الأولى، دارصادر، بیروت.
۲۱. فاخوری، تمیم محمود/شلبی مریم (۱۴۲۳هـ-۲۰۰۳م)؛ *أعلام الشعر العربی*، الطبعة الأولى، دارالمعرفة، بیروت.
۲۲. فروخ، عمر (۱۹۹۷م)؛ *تاریخ الأدب العربی*، الطبعة السادسة، دارالعلم للملایین، بیروت.
۲۳. قمی، عباس (۱۳۶۸ش)، *الکنی و الالتقاب*، مكتبة الصدر، تهران.
۲۴. متز، آدام (۱۳۶۲ش)؛ *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ اول، امیر کبیر، تهران.
۲۵. المتنبی، ابوالطیب (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)؛ *دیوان*، شرح أبی البقاء العکبری، تصحیح مصطفی السّقاء، إبراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، الطبعة الأولى، دارالفکر، بیروت.
۲۶. مظفر، محمدحسین (۱۳۶۸ش)؛ *تاریخ شیعه*، ترجمه سید محمدباقر حجتی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۷. مهنا، عبدأعلى و على نعیم خریس (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)؛ *مشاهیر الشعراء و الأدباء*، دارالکتب العلمیة، بیروت.
۲۸. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۶۶ش)؛ *جغرافیای اسلام ۱ و ۲ (بعلبک شهر آفتاب و حلب شهر ستارگان)*، چاپ اول، سروش، تهران.
۲۹. نورالدین، حسن (۲۰۰۰م)؛ *موسوعة أمراء الشعر العربی من العصر الجاهلی إلى العصر العباسی*، الطبعة الأولى، شركة رشاد برس، بیروت.